

حسامی قلندر از قلندران ناشناخته عصر مؤلف نسبت داده شده است).

مذکر احباب را باید تذکره معما سازان نامید. طرز معما پردازی در قرن نهم و دهم در اوج رونق بود. در واقع فن معما نوعی تفنن و وقت گذرانی است و نه هنر، که از ویژگی های طبقه مرفه حاکم بوده است. فهرست شاعران و عالمان مندرج در مذکر احباب نشان می دهد که آنها همگی از بزرگان و نزدیکان مراکز قدرت بوده اند. جلسات ادبی که در خانه کمال الدین مشفق کتابدار تشکیل می شده مجمع بزرگان عصر بوده است. طبقه برتر ناحیه ماوراءالنهر ذوقی تفننی داشته است. و فضیلت مآبی در آن قلمرو معما سازی و معما خوانی بوده است.

این ادعا که چنین ذوقی بر همه آن سرزمین حاکم بوده اگر درست نیاید، لااقل می توان گفت که ذوق و سلیقه مؤلف تذکره مذکر احباب بسیار معما پسند و متفنن بوده است. هر چند او در جای جای تذکراتش می نویسد که اهل عصر وی «جهت انشراح قلب به شعر روی آورده اند» اما از اشعاری که در تذکراتش می آورد التذاد عقل بیشتر حاصل می شود تا انشراح قلب.

هنر معمایی و تفننی، هنری است عاری از احساس و تخیل، هنری است واقع گریز، تصنعی، مفتون آرایه ها و صنعت سازی ها که لذت ادراک عقلانی به همراه دارد نه لذت احساس و ذوق و با زبانی فخیم و درشتناک و تیره جلوه می کند.

مذکر احباب چندان عنایتی به نقد و ارزشیابی منصفانه اشعار نداشته است. خرده گیری های بسیار انگشت شمار و گذرا مانند «اشعارش یکدست نیست» آورده است، انتخاب ها از اشعار شاعران اغلب غزل است و ندرتاً رباعی و تک بیت و مطلع آورده است. تنها اهمیتی که از حیث ادبی برای این تذکره می توان قائل شد. این است که نماینده نوعی ذوق ادبی در ماوراءالنهر سده دهم هجری است.

با این همه کار آقای نجیب مایل هروی در تصحیح و بخصوص در مقدمه و فهرست ها، همچون دیگر کارهای ایشان تحسین برانگیز است. هر چند گاه اغلاط مطبعی آنهم اندک در متن دیده می شود. (ص ۳۲۶ اکرم - اکرم) (ص ۳۲۶ و ماله حیوة الدنیا متاع الثرور؛ «الآ» افتاده است)

نکته قابل ذکر دیگر در صفحه سی و هشت مقدمه است؛ نویسنده محترم می نویسد: «روایی ادبیات ترکی جغتایی در پایان عصر تیموری سبب شد که شاعران ترکی زبان فارسی دان فارسی گوی ماوراءالنهر بعضاً دو «دیوانه» شدند یک دیوان به فارسی تدوین می کردند و یک دیوان هم به ترکی» در اینجا مراد از «دیوانه» دیو یونانی است و در نگارش باید به صورت «دو دیوانه» بیاید و نه دو «دیوانه».

با آرزوی سلامت و بهروزی برای آقای نجیب مایل هروی که عمری در سر کار تصحیح و تنقیح متون کهن کرده اند سخن را به پایان می برم.

پونه های الوند

رضا پورنامداریان، متخلص به ذوقی، در سال ۱۲۸۸ در شهر همدان متولد شد. در پنج سالگی پدر خویش را از دست داد و از او ان کودکی با رنج کار و تلخی فقر خو گرفت. به مدرسه و مکتب نرفت اما به یاری استعداد شگرف و پشتکار و اعتماد به نفس خویش از کار و زندگی و مردم بسیار آموخت و تجربه ها اندوخت و نیز از خرمن بزرگان و شاعران و هنرمندان شهر در طول زندگی خوشه های شعر و هنر و دانش و عرفان چید و شهره شهر خویش گشت. ذوقی سرانجام در سیزده دی ماه ۱۳۷۶ با دلی مملو از عشق و ایمان در کمال آرامش چشم از جهان پوشید. به تازگی شعرهای ذوقی همدانی با عنوان «پونه های الوند» انتشار یافته است. شعرهای این کتاب بخشی از شعرهای اوست که دوستانش در سالهای آخر عمر او جمع آوری کرده و نوشته اند و به کوشش فرزندش دکتر تقی پورنامداریان ادیب و پژوهشگر برجسته منتشر شده است. شعرهای این دفتر در شش بخش به شرح زیر سامان یافته است:

بخش اول: غزلها؛ بخش دوم: تضمین چند غزل، ساقی نامه، خانقاه بابا؛ بخش سوم: شعرهای مذهبی و عرفانی؛ بخش چهارم: چند حکایت، بخش پنجم: مرثیه ها؛ بخش ششم: دوبیتی ها و چند رباعی. در آخر کتاب، سوک سروده های دوستان به مناسبت درگذشت ذوقی آمده است.

دکتر پورنامداریان در مقدمه ای مبسوط با عنوان «از روزگار رفته حکایت» تصویرهایی از پدر ارائه می کند که هر یک به گونه ای با شعر و شاعری پیوند دارد. مقدمه ای خواندنی با تثری جذاب که خاطرات خود را از پدر می گوید و در آخر چنین می نویسد: «آخرین دیدارم با پدر در غسلخانه بود. درینجا که دیگر نمی توانست از دیدن من بختند روزی که خاکش می سپردند، در سکوت فقط تماشا می کردم. از این که قفل از سرگ ندیده بودمش بشدت معمو و متأثر بودم. اسف منجالی گریه را هم از من گرفته بود. آقای محمودی و آقای داشت یکی از شعرهایش را می خواند. دیگران هم دم گرفته بودند. زنها و بچه ها می گریستند. هوا سخت سرد بود. برف سنگین همه جا را کفن کرده بود. برف روی برف می بارید. پدر را کفن پوشیده در گور گذاشتند. مردی به سختی فولاد و سرخ و تافته از آتش رنج، رفت تا قارخ از آندوه برای همیشه در خانه بی در و زورن نشست. خوابش، به خواب رود...» □

ژئوشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محمود فتوحی

مذکر احباب

نکته نگاه

۷۹